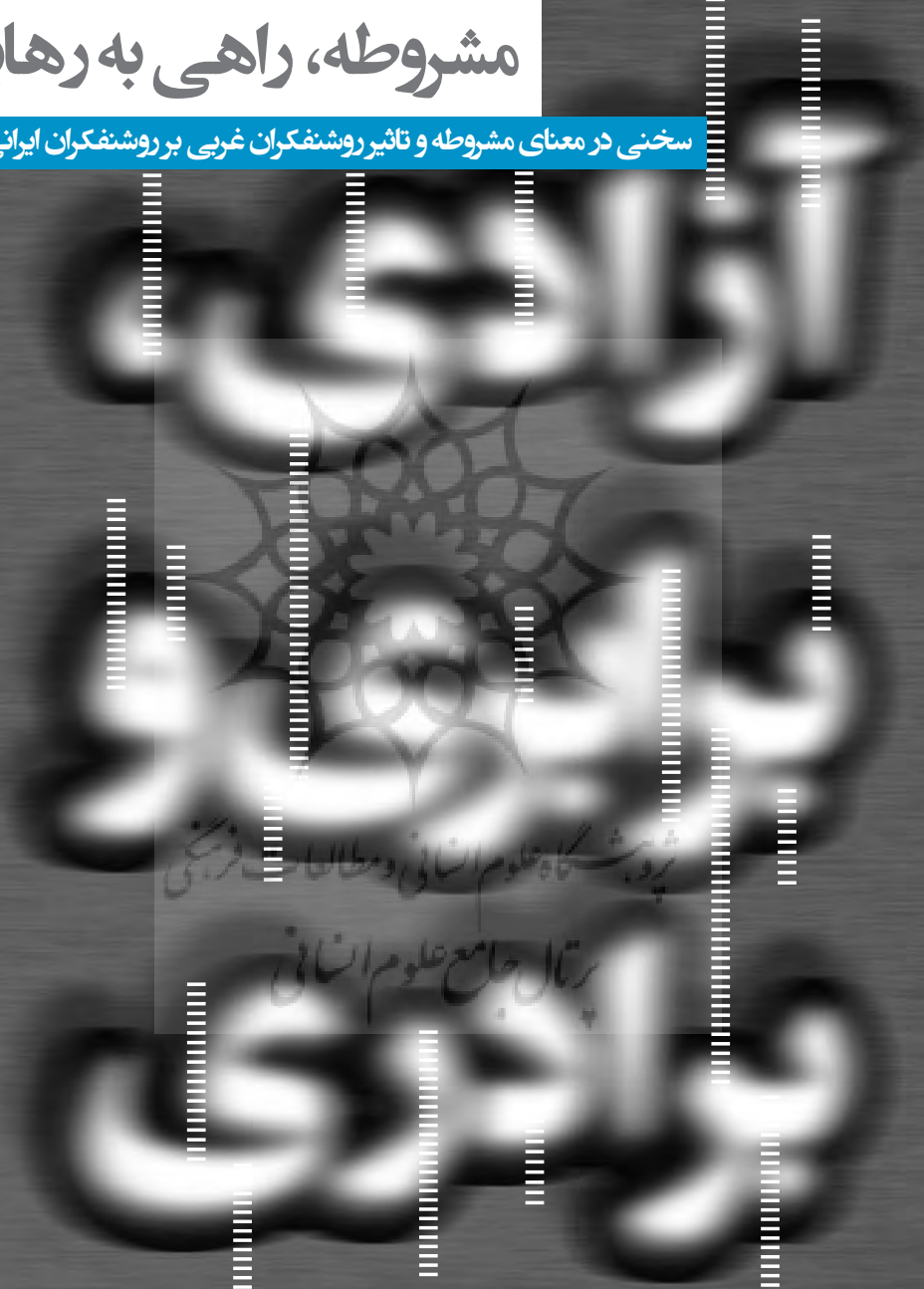


مشروطه، راهی به رهایی

سخنی در معنای مشروطه و تاثیر روشنفکران غربی بر روشنفکران ایرانی

عباس جداری کریمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پارلمانی دانسته شده است. اما به واقع واژه‌ی دولت مشروطه برگرفته از Constitutionalism است. این لغت برای اولین بار در سال ۱۸۳۲ بکار رفت.^۲ Constitutionalism برگرفته از فعل to constitute به معنای تشکیل دادن و بنیان گذاشتن می‌باشد.^۳ حالت قیدی این واژه (Constitutional) به معنای قانون اساسی می‌باشد.

لازم بذکر است که واژه‌ی Constitutionalism در طول تاریخ به لحاظ معنایی دارای سیر تطور بوده است. از اواسط سده ۱۴ میلادی این واژه به معنای قانون مقررات و حکم بود، که از واژه فرانسوی Constitucion فرانسوی به معنای ایجاد گرفته شده بود. خود این واژه دارای ریشه لاتینی Constitutio به معنای «اقدام برای ایجاد و برقراری» می‌باشد. در دهه‌ی ۱۵۸۰م. این واژه در معنای «راهی که یک چیز تشکیل می‌گردد» بکار گرفته می‌شد. از سال ۱۶۰۰ م. به معنای «حالتی آرگانیک و سازمانی از دولت» و از دهه ۱۷۳۰ معنای «نظامی از قوانین و اصول که یک جامعه با آن اداره می‌شود» از آن مستفاد می‌گردید. به طور ویژه از اواخر سده ۱۸ میلادی قانون اساسی مکتوب ابتدا در آمریکا و سپس در فرانسه نوشته شد و این واژه به معنایی که امروزه در علوم سیاسی از آن استفاده می‌گردد نزدیک تر شد.

در مورد واژه‌ی مشروطه و نحوه ورود و کاربرد آن در ایران نظریه‌های مختلفی وجود دارد. دهخدا در لغت‌نامه خود و در ذیل واژه مشروطیت ابتدا اشاره می‌کند که ساختار کلمه همانند دیگر مصدرهایی که پسوند (ثیت) دارند، عربی می‌باشد و چنان به نظر می‌رسد که از مشروطه مفعول + ثیت ساخته شده است.

بیشتر محققان - از جمله دکتر محمد معین، عباس امانت، تقی زاده و رضازاده شفق - بر این باورند که این واژه از طریق عثمانی وارد ایران شده است. عباس امانت بر این اعتقاد است که «نامق کمال» این واژه را برای اولین بار در عثمانی بکار برد و بعدها از سوی «مدحت پاشا» و در سال ۱۸۷۶م. برای ترجمه واژه‌ی فرانسوی Contitionelle بکار گرفته شده است.^۴

حسن حضرتی نیز در تحقیق خود بر روی مشروطه عثمانی اشاره می‌کند: «مدحت پاشا در نوشته‌ها و گفتارهای مختلفی که از خود به جا گذاشته، از ضرورت تغییر حکومت عثمانی به «مشروطه» سخن به میان آورده است».^۵ تقی زاده و رضازاده شفق هرچند اعتقاد دارند که این واژه از عثمانی وارد ایران شده است اما آن را برگرفته از واژه فرانسوی لاشارت (la charte) به معنای فرمان، منشور و قانون می‌دانند. به هر حال این واژه از حدود سال ۱۸۹۷م. / ۱۳۱۵هـ ق در ایران بکار می‌رفت، اما بطور رسمی در سال ۱۹۰۷م. / ۱۳۲۴هـ ق تحت فشار آزادی خواهان، محمدعلی شاه در فرمان رسمی خود از این واژه استفاده نمود.^۶

ویژگی‌های اصلی نظریه‌ی دولت مشروطه عبارتند از:
(۱) اساسی‌ترین اندیشه در نظریه‌ی حکومت مشروطه، محدود کردن قدرت حکمرانان می‌باشد. ایجاد محدودیت برای دولت مطلقه - استبدادی - از دغدغه‌های اصلی

۱ مقدمه:

داریوش آشوری در دانشنامه‌ی سیاسی در تعریف حکومت مشروطه (Constitutional government) چنین بیان داشته که هر رژیم سیاسی یا حکومتی که دامنه‌ی کاربرد قدرت آن محدود به حدود قانونی باشد از آن به حکومت مشروطه یاد می‌کنند.

حکومت مشروطه در بیشتر موارد در تقابل با حکومت استبدادی بکار رفته است و از آن به حکومت قانون نیز نام برده می‌شود. آنچه در حکومت مشروطه از اهمیت بسزایی برخوردار است، محدود شدن قدرت حکومت به قانون می‌باشد، قانونی که از سویی حدود رفتار و کردار افراد و گروهها و از سوی دیگر حدود کاربرد قدرت را تعریف و مرزبندی می‌کند، و نیز وظیفه متقابل آن‌ها را بیان می‌دارد. این قوانین می‌تواند قانون طبیعی و در عالی‌ترین شکل، قانون اساسی باشد. وجود پارلمان و تفکیک قوا از دیگر شرایط، مشروطیت می‌باشد.

حکومت مشروطه بر دو نوع می‌باشد، که با توجه به سیر تاریخی مشروطیت عبارتند از:

۱- سلطنت مشروطه

۲- جمهوری مشروطه^۱

در فرهنگ معین مشروطه چنین تعریف شده است: «نوعی حکومت که در آن وضع قوانین به عهده‌ی مجلس یا مجلسین (شوری و سنا) باشد و دولت مجری آن قوانین محسوب می‌گردد».^۲

بنابراین مشروطیت بر مبنای مشروط بودن قدرت چه در نظام سلطنتی و چه در نظام جمهوری، در چارچوب یک قانون اساسی مدون، به عنوان یک قرارداد یا میثاق اجتماعی می‌باشد. در سده‌های اخیر، نظریه مشروطیت نیرومندترین و پرنفوذترین نظریه در اندیشه سیاسی جهان مطرح گردیده است.

ریشه‌شناسی واژه‌ی مشروطه:

در برخی از موارد واژه مشروطه به لحاظ نقش پراهمیت پارلمان در این نوع حکومت، ترجمه Parliamentary به معنای پارلمان‌داری و یا Parliamentary government حکومت

رایج نسبت به آن و بنیان اقتصادی و ایدئولوژیکی تغییر داد.^{۱۳} به عنوان نمونه میرزا آقاخان کرمانی علیه سنت‌های تاریخ‌نگاری پیشین ایران شورید. وی موضوع تاریخ را از ذکر سرگذشت پادشاهان و جنگ‌های آنان به تحولات اجتماعی و جریان‌های تاریخی معطوف گردانید. میرزا آقاخان کرمانی، نخستین فرد در ایران بود که از فلسفه‌ی مدنیت و حکمت تاریخی سخن به میان آورد.^{۱۴}

روشنفکران ایرانی، سلطنت مطلقه حاکم بر این سرزمین را مانعی ذاتی برای آزادی، برابری و برادری (سه شعار مطرح شده در انقلاب فرانسه، libert، galit، fraternit) می‌دانستند. برای طبقه‌ی روشنفکر ایرانی، مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم سه عامل مهم برای رسیدن به جامعه‌ای نوین با ساختارهای توسعه یافته بود.^{۱۵}

در این مجال به بررسی اندیشه‌های روشنفکران ایرانی در باب مشروطه و نیز تأثیرهای آرای غربیان در این نظریه‌ها پرداخته می‌شود. آنگونه که از مطالب نگاشته شده پیش از مشروطیت برمی‌آید، روشنفکران ایرانی، با اندیشه‌ها و آثار ولتر، میرابو، روسو و به ویژه مونتسکیو آشنا بودند. آنچه در نوشته‌های این دوره تحت عنوان «سلطنت قونسی توتسی» ممالک اروپایی آمده است، در واقع اشاره به واژه فرانسوی «کنستی توسیون» دارد.^{۱۶}

میرزا صالح اولین کسی است که در کتاب خاطرات خود به سیستم سیاسی و دستگاه دادگستری در انگلستان اشاره کرده است. وی شرحی از چگونگی به تصویب رسیدن ماگنا کارتا (Magna Charta) (واژه‌ای که به لاتین به معنای منشور کبیر می‌باشد و اشاره به قانونی دارد که در سال ۱۲۱۵م. و توسط جان پادشاه انگلستان به تصویب رسید. بر طبق این منشور یا فرمان، شاه انگلستان موظف به پذیرش حقوق مشخصی از سوی مردان آزاد تحت حکومتش و احترام به برخی از رویه‌های قانونی مشخص گردید. مهم‌تر آنکه قدرت پادشاه انگلستان توسط قانون محدود شد)^{۱۷} و دیگر دستورها و فرامین آزادی برای مردم ارائه می‌دهد. وی از انگلستان به عنوان «ولایت آزادی» نام می‌برد.

میرزا صالح همچنین از مجلس عوام انگلستان با نام «مشورت‌خانه» و از نمایندگان این مجلس تحت عنوان «وکیل الرعايا» یاد می‌کند. وی اشاره می‌دارد که نمایندگان مجلس توسط مردم انتخاب شده و قدرت دارند که هر فرمانی را که پادشاه و یا مجلس اشراف صادر نماید و به سود مردم آن سامان نباشد، معلق سازند. وی در ادامه از پادشاه انگلستان و دو مجلس عوام و اشراف به عنوان قوای سه‌گانه حکومت انگلستان یاد می‌کند.^{۱۸}

دیگر متفکر ایرانی که به حکومت مشروطه در انگلستان توجه داشته و در آثار خود به آن اشاره نموده است، ملک‌خان می‌باشد. ملک‌خان نقش عمده‌ای در ترویج اندیشه مشروطیت و حکومت قانون در ایران داشته است، تا جایی که وی را بیدارکننده ایرانیان خوانده‌اند. رساله‌ی دفتر تنظیمات، انتشار روزنامه‌ی قانون که در آن به حکومت مشروطه‌ی پارلمانی می‌پرداخت و ... از فعالیت‌های قابل توجه ملک‌خان می‌باشد.^{۱۹}

ملک‌خان به مدت شانزده سال به عنوان مأموریت در لندن

نظریه‌پردازان دولت مشروطیت بوده است.

۲) قانون اساسی از مهم‌ترین ابزارهای بوده است که فیلسوفان سیاسی و نظریه‌پردازان دولت مشروطه به آن پرداخته‌اند. در واقع این قانون اساسی می‌باشد که نهادهای سیاسی یک حکومت را به عنوان نگهدار اصول و نظم موجود در دولت، مشروطه می‌کند.^{۲۰}

قانون اساسی در نظریه دولت مشروطه از چنان اهمیتی برخوردار است که در زبان‌های اروپایی مشروطیت (Constitutionalism) و قانون اساسی (Contitution) معادل هم می‌باشند.

۳) اصل تفکیک قوا، که براساس آن برای پرهیز از استبداد، قدرت از طریق چند قوه یا دستگاه حکومتی که نهادهایی جدا از هم می‌باشند اعمال می‌گردد. جان لاک متفکر سده هفدهم میلادی انگلستان بنیانگذار این نظریه می‌باشد، اما مونتسکیو متفکر سیاسی فرانسوی در سده هجدهم میلادی نظریه جان لاک را گسترش داد. وی در کتاب روح‌القوانین خود به سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه اشاره نموده است که این اصل برای نخستین بار در قانون اساسی ایالات متحده امریکا استفاده گردید. لازم بذکر است الگوی فرانسوی اصل تفکیک قوا در مشروطیت ایران نیز بکار گرفته شد.^{۲۱}

تأثیرات اندیشه‌های غربی در روشنفکران ایرانی:

فریدون آدمیت در باب تأثیر اندیشه‌های غربیان بر روشنفکران شرقی - بطور خاص ایرانی - چنین بیان می‌دارد: «سیر تاریخ فکر در مشرق حکایت از این می‌کند که همه‌ی هوشمندان و اندیشه‌گران اجتماعی اخیر آسیا در باره تمدن اروپایی سخن گفته‌اند و آن مبحث بر همه موضوع‌های دیگر سایه افکنده است.»^{۲۲}

وی علت توجه مشرق زمینیان به جوامع اروپایی را چنین عنوان می‌کند که:

«حقیقت دیگر اینکه باید معترف باشیم که در مرحله تصادم مغرب و مشرق، همه جامعه‌های آسیایی در جهت مادی و عقلی و مدنی در سطح خیلی پایین‌تری از مدنیت قرار داشتند.»^{۲۳}

در مورد ایران نیز گفتار فوق صادق است. در واقع ایران در سده نوزدهم میلادی از طریق نهادهای نوین آموزشی و نیز روابط دیپلماتیک با کشورهای اروپایی با افکار و ایدئولوژی‌های حاکم در غرب آشنا گردید.^{۲۴} در اواخر سلسله قاجار، بیشتر روشنفکران و نویسندگان اجتماعی ایران، هر چند به لحاظ دیدگاه، نظرات مختلفی داشتند، اما غالب توجه آنان به فرهنگ اروپایی و دستاوردهای آن به ویژه در سده نوزدهم میلادی بود. هر چند لازم به ذکر است که اکثر این روشنفکران شیفته و خودباخته در برابر غرب نبودند، بلکه پیشرفت صنعت و به ویژه مدنیت و نیز نوع حکومت در غرب توجه آنان را جلب نموده بود و آنان در صدد اجرای و تحقق این موارد در ایران بودند.

نفوذ افکار و اندیشه‌های غربی، به ویژه روشنگری فرانسوی، دیدگاه اندیشمندان و روشنفکران ایرانی را نسبت به تاریخ، نوع حکومت و جزم‌اندیشی‌های



دو نگاه

در فرهنگ معین
مشروطه چنین تعریف
شده است: «نوعی
حکومت که در آن
وضع قوانین به عهده‌ی
مجلس یا مجلسین
(شوری و سنا) باشد و
دولت مجری آن قوانین
محسوب می‌گردد»

است که بیش از دیگر نویسندگان سیاسی پیش از مشروطیت در باب اساس فلسفه حکومت سخن گفته است. وی به لحاظ سیاسی دارای دیدگاه سوسیالیست بود و دیدگاه وی در پیدایش و چگونگی حکومت، قانون و ... از افکار روسو و مونتسکیو تأثیر پذیرفته است. نفوذ افکار روسو در اندیشه‌های سیاسی میرزا آقاخان بیشتر از هر متفکر دیگری است. هرچند وی از مکتب‌های مادی‌گرا، سوسیالیسم، آنارشیزم و نهلیسم نیز تأثیر اندکی پذیرفته است. در واقع می‌توان عنوان داشت اندیشه سیاسی میرزا آقاخان، تفکری التقاطی می‌باشد و آنچه وی در امید شکل‌گیری آن در ایران بود، حکومت سوسیالیسم پارلمانی است.^{۲۸}

مستشارالدوله تبریزی نیز در کتاب خود تحت عنوان «یک کلمه» به بررسی کود (code) فرانسه پرداخته و بیان نموده است که کود فرانسه در بردارنده‌ی همه قوانین مورد عمل و در بردارنده‌ی تمامی مسایل مربوط به این جهان می‌باشد. وی تا آنجا پیش رفته است که به مقایسه قانون فرانسه و قوانین اسلام پرداخته و تفاوت چندانی میان این دو قانون نمی‌بیند و در مواردی کتب شرعی مورد انتقاد قرار داده و کود فرانسه را برتر از آن دانسته است.^{۲۹}

طالبوف نیز در آثار خود از اندیشه‌گرانی چون روسو، ارنست رنان و ولتر نام برده است. - لازم بذکر است که طالبوف به تمجید از حکومت مشروطه انگلستان پرداخته است - هرچند به لحاظ فکری، اندیشه‌های متفکران فرانسوی و نیز شیوه حکومت انگلستان مورد توجه روشنفکران ایرانی قرار گرفت. اما به لحاظ ساختار اداری و آشنایی ایرانیان با حکومت مشروطه، دو کشور تأثیر به سزایی داشتند.

اول کشور عثمانی بود. روشنفکران ایرانی و نیز دیپلمات‌های ایرانی مقیم در استانبول با مشروطه اول عثمانی (۱۸۷۱م.) و آرای مشروطه‌خواهانی چون مدحت‌پاشا، نامق کمال و ضیاء‌پاشا آشنا بودند. بی‌گمان یکی از اصلی‌ترین کسانی که موجب انتقال اندیشه‌های مدحت‌پاشا به ایران گردید، میرزااحسین‌خان سپهسالاری می‌باشد. در زمان سفارت سپهسالار در استانبول، ۱۹ سال از صدور فرمان گلخانه و آغاز دوره تنظیمات گذشته بود. وی در مدت اقامت خود، روابط نزدیکی با اندیشمندان عثمانی همچون عالی‌پاشا، منیف‌پاشا و مدحت‌پاشا داشت و از نزدیک شاهد تلاش آنان برای برقراری حکومت مشروطه در عثمانی بود. میرزااحسین‌خان سپهسالاری در بازگشت به ایران، به تقلید از عثمانی اصلاحاتی را به ناصرالدین شاه پیشنهاد کرد و برخی از آنان را به منصف ظهور رسانید. فرد دیگری که با اندیشه‌های مدحت‌پاشا و مشروطه‌خواهان عثمانی آشنا بود، میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله می‌باشد.^{۳۰}

انقلاب ۱۹۰۵م. روسیه نیز تأثیر عمیقی در ایران گذاشت و به عنوان نمونه و الگویی برای انقلاب مشروطیت ایران قرار گرفت. ایرانیان زیادی در منطقه قفقاز سکونت داشتند و یا برای کار به این منطقه می‌رفتند. در واقع پیوندهای فرهنگی و اقتصادی عمیقی میان ایران و روسیه وجود داشت. کارگران ایرانی منطقه قفقاز هنگامی که به وطن بازگشتند، با خود افکار و عقاید انقلابی را به ایران آوردند. اسپرینگ رایس (Spring Rice) وزیر مختار وقت بریتانیا

سپری نمود. وی در این مدت به مطالعه آثار نویسندگان انگلیسی و به ویژه «جان استوارت میل» پرداخت. ملکم چنان شیفته اندیشه‌های جان استوارت میل قرار گرفت که حتی بخش‌های مشهور او تحت عنوان «در آزادی» را به زبان فارسی ترجمه کرد.^{۳۱} تأثیرپذیری وی از اندیشمندان انگلیسی به گونه‌ای بود که آدمیت، او را نماینده جامع‌الشرایط فلسفه لیبرالیسم قرن ۱۹ میلادی دانسته است.^{۳۲}

البته لازم بذکر است که ملکم با آثار اندیشمندان فرانسوی آشنا بود. ملکم در یک مدرسه کاتولیک فرانسوی در اصفهان به تحصیل پرداخته بود و جهت تحصیل در رشته‌ی مهندسی به فرانسه رفت. وی در پاریس با فراماسونری و فلسفه سیاسی معاصر آشنا گردید.^{۳۳} اما گذشته از دو نفر اشاره شده، اکثر روشنفکران و متفکران ایرانی پیش از مشروطیت، منبع افکارشان آثار متفکران بزرگ فرانسه بود.^{۳۴}

تأثیر افکار متفکران فرانسوی بر ایرانیان از دو طریق حاصل گردید:

اول) انقلاب کبیر فرانسه

دوم) از طریق مصر، توضیح اینکه مصر در سال ۱۷۹۹م. توسط ناپلئون اشغال گردید و بر طبق شرایط فرانسه، سیستم حکومت مصر دچار تغییر گشت از آن جمله می‌توان به تأسیس «دیوان» در سال ۱۷۹۸م.، «مجلس الشوری» در سال ۱۸۲۹م. و «مجلس‌النظار» در سال ۱۸۷۸ اشاره نمود.^{۳۵}

در مورد تأثیر انقلاب فرانسه و افکار اندیشمندان این کشور، بر متفکران ایرانی، مهدی قلی‌خان هدایت چنین بیان می‌دارد:

«... هر کدام رساله‌ای از انقلاب فرانسه در بغل دارند و می‌خواهند، دل ریسپیر و دانتن را بازی کنند ...»^{۳۶}

لازم بذکر است که میرزا آقاخان کرمانی، میرزا فتحعلی آخوندزاده، طالبوف تبریزی و ملکم بعلت سفر به کشور فرانسه، از نزدیک با انقلاب فرانسه و اندیشه‌های متفکران آن سامان آشنا بودند.

ملکم در باب الگوبرداری از مشروطیت فرانسه چنین عنوان می‌کند:

«... می‌بایست که از علوم مذهبیه ما و قوانین فرانسه و غیره و وضع ترقی آن‌ها استحضار کامل داشته باشند و ... بفهمند کدام قاعده فرانسه را باید اخذ نمود و کدام یک را بنا به اقتضای حالت اهل مملکت باید اصلاحی کرد.»^{۳۷}

میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۸۱۲-۱۸۷۸م.) در یک خانواده ایرانی مقیم شکی قفقاز به دنیا آمد. آخوندزاده به لحاظ فلسفه‌ی سیاسی طرفدار اندیشه پارلمانی غربی در ایران بود. وی بر این اعتقاد بود که نباید از پادشاه خودکامه و ستمگر درخواست نمود تا از ستم دست بردارد، بلکه بایست همانند افرادی چون ولتر، روسو، مونتسکیو باید ستم‌دیده را تشویق کرد تا برخیزد و بنیان ستم را برکند. آخوندزاده معتقد بود که پادشاهی باید براساس قانون باشد، قانونی که توسط پارلمان ملی - که خود متشکل از دو مجلس شورا و سنا بود - وضع شده باشد. افکار و آرای آخوندزاده، به ویژه کتاب «مکتوبات» وی در زمان مشروطه مورد استفاده فراوان قرار گرفت.^{۳۸}

میرزا آقاخان کرمانی، دیگر روشنفکر پیش از مشروطه

دو نگاه

اساسی‌ترین اندیشه در نظریه‌ی حکومت مشروطه، محدود کردن قدرت حکمرانان می‌باشد

۳۱- حائری، پیشین، صص ۲۰-۲۱

منابع:

۱- کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

در تهران در باب تأثیر انقلاب ۱۹۰۵م. روسیه در انقلاب مشروطیت ایران چنین عنوان می‌کند:

«شما ملاحظه خواهید کرد که شباهت شدیدی میان جنبش‌های اصلاح‌خواهانه روس و ایران وجود دارد.»^{۳۱} به هر روی آنچه مشخص است به لحاظ نفوذ اندیشه و فلسفه سیاسی، روشنفکران مشروطه‌ی ایران تحت تأثیر اندیشمندان فرانسوی بودند، اما عثمانی و روسیه دو کشور دیگری بودند که به لحاظ ارتباط‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در شکل‌گیری دولت مشروطه در ایران تأثیرگذار بودند.

پی‌نوشت:

- ۱- آشنوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی، انتشارات مروارید، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۹، صص ۱۴۲-۱۴۳
- ۲- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، ذیل واژه مشروطه
- ۳- برگرفته از سایت Online Etymology Dictionary
- ۴- وینست، اندرو؛ نظریه‌های دولت، حسین بشیریه، نشر نی، چاپ هفتم، ۱۳۸۹، صص ۱۲۳
- ۵- عباس امانت و دیگران، انقلاب مشروطیت، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۴۸
- ۶- حضرتی، حسن؛ مشروطه ۳۵-آدمیت، پیشین، صص ۲۴۲
- عثماني، پژوهشکده تاریخ اسلام، چاپ اول، ۱۳۸۹، صص ۲۲۳
- ۷- حائری، عبدالهادی؛ واژه مشروطه، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریور و مهر و آبان ۱۳۸۵، شماره ۲۲۷-۲۳۰، صص ۳۷
- ۸- وینست، اندرو؛ پیشین، صص ۱۲۶
- ۹- آشنوری، پیشین، صص ۱۰۰، وینست، پیشین، صص ۱۲۸-۱۲۹؛ اسکروتن، راجر؛ تاریخ مختصر فلسفه جدید، اسماعیل سعادت، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۳۵۵-۳۵۹
- ۱۰- آدمیت، فریدون؛ اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران، نشر پیام، چاپ دوم، ۱۳۵۷، صص ۲۴۲
- ۱۱- آدمیت، پیشین، صص ۲۴۲
- ۱۲- آبراهامیان، پرواندا؛ ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷، صص ۶۵-۶۶
- ۱۳- آبراهامیان، پیشین، صص ۷۹
- ۱۴- آدمیت، پیشین، صص ۱۵۶
- ۱۵- آبراهامیان، پیشین، صص ۸۰
- ۱۶- سایت مؤسسه تاریخ مطالعات معاصر ایران، مصباحیه با دکتر کریم مجتهدی؛ آجودانی، ماشالله، مشروطه ایرانی، تهران، نشر اختران، چاپ نهم، ۱۳۸۷، صص ۳۳-۳۲
- ۱۷- برگرفته از Encyclopedia Britannica Online
- ۱۸- حائری، عبدالهادی؛ تشیع و مشروطیت در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، صص ۱۲
- ۱۹- قاضی مرادی، حسن؛ ملکم‌خان (نظریه‌پرداز نوسازی سیاسی در صدر مشروطه)، تهران، نشر آمه، چاپ دوم، ۱۳۸۹، صص ۸-۹
- ۲۰- قاضی مرادی، پیشین، صص ۴۶
- ۲۱- آدمیت، پیشین، صص ۲۵۱
- ۲۲- آبراهامیان، پیشین، صص ۸۴-۸۵
- ۲۳- آدمیت، فریدون؛ ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، انتشارات گسترده، چاپ اول، ۱۳۸۷، صص ۲۰۶
- ۲۴- حائری، پیشین، صص ۱۶
- ۲۵- هدایت، مهدی قلی؛ خاطرات و خطرات؛ تهران، نشر زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، صص ۱۵۰
- ۲۶- مجموعه آثار میرزا ملک‌خان به نقل از مشروطه‌ی ایرانی، ماشالله آجودانی، پیشین، صص ۳۳
- ۲۷- حائری، پیشین، صص ۲۶-۲۹
- ۲۸- آدمیت، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، پیشین، صص ۲۵۰-۲۵۳
- ۲۹- حائری، پیشین، صص ۳۳-۳۴
- ۳۰- حضرتی، پیشین، صص ۲۸۳-۲۸۷

دو نگاه

نفوذ افکار و

اندیشه‌های غربی،

به ویژه روشنگری

فرانسوی، دیدگاه

اندیشمندان و

روشنفکران ایرانی

را نسبت به تاریخ،

نوع حکومت و

چیزم‌اندیشی‌های رایج

نسبت به آن و بنیان

اقتصادی و ایدئولوژیکی

تغییر داد